



# گفت‌و شنودی در باره

## «منافع ملی»

توسط تعداد معدودی از افراد که گاه به یک نفر هم می‌رسد تعیین می‌شود و از طریق وسائل ارتباط جمعی به سراسر کشور تعمیم می‌یابد.

۳- تا آنجا که می‌دانیم تاکنون نه در سطح دانشگاهها و نه از سوی دولت تلاشی جدی برای تعیین چهارچوب کلی منافع ملی ایران و ترسیم خطوطی در جهت تامین این منافع صورت نگرفته است. آیا اقدام مشترکی از سوی مسئولان امور و اندیشمندان و کارشناسان را در این زمینه سودمند می‌دانید؟ این امر تا چه اندازه در محدود ساختن حرکت گروههای ذینفوذ در بهنه جامعه و کاستن از تاثیر برداشتها و نظرات فردی و گروهی مفید خواهد بود؟

□ ارتباط نزدیکی بین سیاست داخلی، سیاست خارجی و قدرت یک جامعه وجود دارد. به عبارت دیگر اجرای هدفهای یک جامعه بستگی به موازنه قدرت در بین هیئت حاکمه پیدا می‌کند. حتی در سیاست بین‌المللی نیز ممکن است بجای حرکت در راستای منافع کل جامعه، شاهد اعمالی در جهت کشمکشهای گروهی برای حفظ و افزایش قدرت باشیم. بهمین دلیل تعیین یک چهارچوب دقیق و مشخص از «منافع ملی» از طرف دولت بسیار ضروریست. پس از این مرحله، آنچه اهمیت می‌یابد، نحوه اجرای برنامه‌های تعیین شده است زیرا امروز مشروعیت حکومتها از توانائی آنها در حل مسائل جامعه‌ای که بر آن حکومت می‌کنند، شناخته می‌شود.

به عنوان مثال، در برنامه پنج ساله دولت جمهوری اسلامی ایران اهدافی طرح شده که باید از طریق سلسله مراتب اجرایی تحقق یابد. آنچه که بخصوص در مورد کشور ما بیشتر احساس می‌شود، وجود اتفاق نظری همه‌جانبه در مورد نیازها، مسائل و شیوه‌های حل آنهاست زیرا ایران که مدت‌ها گرفتار جنگ بوده در برابر مشکلاتی چون کاهش درآمد نفت، افزایش جمعیت و از بین رفتن قسمتی از زیربنای اقتصادی، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و قابل اجرا برای بازسازی دارد. در حال حاضر که در دوران صلح بسر می‌بریم، برای مقابله با مشکلات داخلی احتیاج به اقداماتی سریع و مؤثر داریم. در صحنه بین‌المللی نیز لزوم رعایت تز همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای مختلف و همبستگی همکاری با جوامع دارای تکنولوژی پیشرفته که مورد نیاز ماست احساس می‌شود، ضمن آنکه باید به استقلال و برابری کشورمان توجه داشته باشیم. در صورتیکه اتفاق نظر در سطح بالاتری وجود داشته باشد، وسائل ارتباط جمعی می‌توانند نقش بسیار مؤثری در ترویج هماهنگی بین افکار مردم ایفاء کنند و به نظر من در نظام قانون اساسی کشور ما نیز، این معنا قابل تصور است.

۱- تعریف جامع و مانعی از اصطلاح «منافع ملی» در دست نیست و در باره مفهوم دقیق و دامنه کاربرد آن اختلاف نظر وجود دارد. شما منافع ملی را چگونه تعریف می‌کنید؟

□ دیدگاههای مختلف، منافع ملی را بصورت‌های گوناگون، تعریف کرده‌اند. به نظر عده‌ای منافع ملی بوسیله هیئت حاکمه در هر جامعه تعیین و اجراء می‌شود. بعقیده افلاطون که «نخبه‌گرا» است، در یک جامعه ایده‌آل باید گروهی واجد صفات خاص باشند و همین عده آنچه را که مصلحت جامعه است در نظر می‌گیرند و اراده و انتخاب عموم در تعیین منافع ملی نقشی ندارد در حالی که ارسطو تعیین منافع ملی را تنها از طریق دموکراتیک قابل قبول می‌دانست و معتقد بود که پس از مذاکره و مشاوره، ماحصل آن باید به اطلاع مردم برسد. اگر از دیدگاه ایدئولوژیک به مسائل نگاه کنیم، دید ما به کلی با آنچه که عرفاً و طبق عادت منافع ملی خوانده می‌شود، فرق می‌کند. به نظر من منافع ملی عبارتست از خیر عموم. این مفهوم در کارهای فلاسفه سیاسی بخصوص ژان ژاک روسو دیده می‌شود. روسو معتقد بود که خیر عموم را اراده عمومی تعیین می‌کند.

۲- گروهی از صاحبینظران، «منافع ملی» را واقعیتی عینی می‌دانند و برعکس عده‌ای آن را امری ذهنی تلقی می‌کنند. به نظر دسته اخیر، منافع ملی در واقع همان اصول و هدفهایی است که از سوی رهبران و سیاست‌گذاران در هر جامعه مشخص می‌شود. نظر شما در این باره چیست؟

من «منافع ملی» را واقعیتی عینی می‌دانم که با منافع کل جامعه مطابقت دارد. این منافع به اشکال مختلف طبقه‌بندی می‌شود. در درجه اول، حفظ تمامیت ارضی یک کشور جزو منافع ملی است زیرا اگر کشوری مورد هجوم و تجاوز واقع شود، سایر منافع آن تحت الشعاع قرار می‌گیرد. اما در جامعه‌ای که از جنگ به دور مانده و یا آن را پشت سر گذاشته است، اهداف دیگری از جمله بازسازی کشور، تامین نیازهای مردمی، ترقی و پیشرفت علمی، صنعتی و کشاورزی، بهبود سیستمهای آموزشی و سایر خدمات دیگری که موجب افزایش قدرت ملی و رفاه مردم می‌شود، در رأس برنامه‌ها قرار می‌گیرد. آنچه که در تعیین منافع ملی نقش اساسی ایفاء می‌کند، نوع حکومت هر جامعه است زیرا در رژیمهای دموکراتیک مردم در تعیین سیاستها نقش زیادی ایفاء می‌کنند در حالی که در کشورهای غیر دموکراتیک، منافع ملی

## یادی از شمع مرده!

صراحت لهجه، عشق به حقیقت و شور و وطنخواهی این شمع خاموش سرمشق دولتمردان و دانشگاهیان خاصه نسل جوان قرار گیرد. گفتم نسل جوان اما لب را می گزم چه گویند از کره ماه بر زمین می آیم. کدام نسل جوان؟ نسلی که تقریباً هیچکدامشان نه صدیقیها را می شناسند و نه تاریخ نزدیک و دور و وطنشان را و بیشتر نشان پریشان و سرگردان و بکلی نومیدند و برخی نیز مطابق باب روز در اندیشه با دوز و کلک با بر سر همه چیز گذاشتن و هر چه زودتر میلیاردر شدن و از این دیار گریختن!! با تنی سوزان و دستی لرزان این سطور قلمی شد!

غلامعلی سیار

نظر کمالات انسانی حتی به فوزک بایش هم نرسید. من گاه بگاه، هر زمان که نومیدی و افسردگی مغز استخوانم را می خانید با کسب اجازه به زیارتش می شتافتم و پس از بازگشت چنان آرام و سبک می شدم که در قالب نمی گنجیدم. او در عالم خیال من از آن گروه هفتاد رنگ نبود و به گفته فردوسی از تخمه پاک دهقان بود نه از تیره پدید از ترک و از تازیان. آیا زال فرتوت و هنوز زاینده وطن از زادن چنین راد مردانی برای همیشه ناتوان خواهد ماند؟ رجاله پروری که با ۲۸ مرداد آغاز شد مویذ چنین احساس مشنومی است! سزاوار خواهد بود که شجاعت، صداقت،

بر روی تخت بیمارستان در تب می سوختم که شنیدم دکتر غلامحسین صدیقی مرد. با خاموشی این یکتا اخگر فروزنده فضل و شرف و ایرانیت و انسانیت دوره ای از تاریخ این مرز و بوم به سر آمد! وجود صدیقی در هشتاد و پنجسالگی، گرچه چون کوهی استوار بود، برای هیچکس نه تهدیدی به شمار می آمد و نه مقابله ای انتها سلاح او زبان گرمش بود که جز به منطق و راستی نمی گزید... اما صرف بودنش ستونی بود سترگ که میلیونها نفر را با امیدی هر اندازه کم اعتبار بر سر پا نگاه میداشت.

این استاد و پژوهشگر و مربی با فرهنگ هزاران تن شاگرد تربیت کرد. برخی شان به مقامات عالیه رسیدند لیک یکتا از ایشان از

□ به نظر من هدف منافع ملی افزایش و توسعه «قدرت ملی» نیست، گرچه میزان قدرت سهم بسیار مهمی در سیاست خارجی يك کشور دارد. به تجربه ثابت شده که اگر کشوری ضعیف باشد و یا دارای همسایگانی طماع و متجاوز، نمی تواند امنیت خود را حفظ نماید اما نباید تصور کنیم که منظور از قدرت، تنها قدرت نظامی است و آنهم فقط از طریق خرید سلاح از خارج تأمین می شود. قدرت ملی به معنای داشتن يك جامعه منسجم و سالم از نظر فیزیکی و روانی است که مجهز به تکنولوژی جدید باشد، دانشگاهها و مراکز علمی آن مورد احترام باشد، امکانات و تسهیلات عمده ای در اختیار منابع تحقیقاتی قرار بگیرد ضمن آنکه تحقیقات بومی برای حل مسائل داخلی فراموش نشود. بقول سعدی:

کهن جامه خویش آراستن به از جامه عاریت خواستن

بنابراین اگر ما خواهان قدرت ملی هستیم باید به مردم توجه بکنیم و آن را نزد مردم بچونیم و همراه با وارد کردن تکنولوژی مورد نیاز، تقویت تکنولوژی بومی کشور را فراموش نکنیم. البته این معنا يك شبه حاصل نمی شود بلکه مستلزم برنامه ریزی درازمدت است. بار دیگر یادآوری می کنم که امروز قدرت نظامی رابطه بسیار نزدیکی با قدرت اقتصادی، کیفیت مطلوب صنایع، بالا رفتن تولید کشاورزی، وجود افراد سالم و تجهیز جامعه به علوم جدید دارد و در کنار همه اینها انسجام جامعه و اتفاق نظر برای تعیین خط مشی مورد نیاز ضروریست.

۶- بدون شك، علاوه بر تعیین منافع ملی و تنظیم برنامه برای تحقق هدفها، وجود يك دستگاه اجرایی سالم و کارا نیز اهمیتی انکارناپذیر دارد. توصیه شما برای رفع نارسائیهای موجود در سیستم اداری و اجرایی کشور چیست؟

□ يك سیستم اداری و اجرایی باید بر مبنای لیاقت و شایستگی افراد استوار باشد. هر چند که این امر در هیچ جا بطور کامل حاصل نمی شود اما عدم رعایت اصل مذکور در جهان سوم بیش از همه جا به چشم می خورد. سیستم کاری در جهان سوم بر مدار رابطه می چرخد و در مراکز اداری و اجرایی آنچه حضور ندارد ضابطه و اصول است. در ایران نیاز زیادی به افراد متخصص داریم که باید جذب شوند. توصیه من این است که کارشناسان و متخصصان مورد استفاده قرار بگیرند و افراد بر مبنای علم، لیاقت و شایستگی خود، بکار مشغول شوند هر چند که به لحاظ رابطه جایی نداشته باشند.

۷- به نظر شما، در کشور ما، عوامل بازدارنده و شکافهای موجود در راه تأمین منافع ملی چیست؟ چه چیزهایی را می توان از میان برداشت یا اصلاح کرد و چه عوامل تازه ای را باید بکار گرفت؟

□ در کشورهای جهان سوم، دولت باید راهگشا و حلال مشکلات باشد زیرا تمام منابع را در اختیار دارد. کشور ما در مرحله بازسازی است اما در کنار این هدف، مسائلی چون بالا بردن سطح زندگی مردم، جلوگیری از تورم، گسترش تولید و افزایش کیفیت آن دیده می شود. مردم کمبودها را شدیداً احساس

۴- تردیدی نیست که مفهوم «منافع ملی» نیز همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در طول زمان و در سایه تحول اوضاع سیاسی و اقتصادی و تغییر ساختار روابط بین المللی، دگرگون شده است. شما دامنه این دگرگونی را بویژه در مورد ایران تا چه اندازه می بینید؟

□ توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اقتصادی است و ملاک آن، مشارکت مردم در کارهای عمومی، رغبت و علاقه آنها به امور سیاسی جامعه، شرکت وسیع در انتخابات، وجود تریبونهای آزاد و وسایل ارتباط جمعی مستقل است.

□ نظام اداری و اجرایی باید بر مبنای لیاقت و شایستگی افراد استوار باشد، لکن در جهان سوم سیستم کاری بر مدار رابطه می چرخد و چیزی که در مراکز اداری و اجرایی وجود ندارد، ضابطه و اصول است.

□ ایران کشوری از جهان سوم است که از نظر اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی منابع محدودی دارد لذا باید از سیاستی صحیح منطبق بر نیازها و امکانات خود پیروی کند. در غیر این صورت، دچار تضاد خواهد شد.

□ دگرگونی و تحول مفهوم منافع ملی، بدلیل تغییراتی است که در جهان بوقوع پیوسته است از جمله: خودداری از برخورد های نظامی و ایدئولوژیک، توجه به پیشرفت علوم و تکنولوژی، پیروزی در میدان اندیشه، علم و بازار اقتصادی، وجود جمعیت زیاد، آگاه شدن مردم از حقوق خود و در نتیجه افزایش مسئولیت زمامداران و سرانجام رسیدن جهان به يك بن بست اتمی. مجموع این عوامل حکومتها را تا اندازه ای موظف میکند که به نیازهای مردم پاسخ مثبت دهند و در اتخاذ تصمیمهای بین المللی به منافع مردم توجه کنند. بهمین دلیل امروز بجای برخوردهای خصمانه شاهد رواج سیاست همکاری بین کشورهای جهان هستیم و ایران نیز از چنین قاعده ای نمی تواند مستثنی باشد و برای بازسازی و تحقق منافع ملی باید با سایر کشورها روابطی مؤثر برقرار کند.

۵- به عقیده شما آیا هدف غائی از تأمین منافع ملی، حفظ و افزایش «قدرت ملی» است؟ اگر چنین است، چه چیزهایی را در شمار پایه ها و عناصر سازنده قدرت ملی می شناسید؟

□ پدیده زیان بار «فرار مغزها» بدون شك علل اقتصادی - اجتماعی دارد. اگر در جامعه رفاه اقتصادی و آزادیهای فردی در حد مطلوب موجود باشد و آینده ای مطمئن و قابل دسترس از لحاظ تحصیل و کار برای جوانان ترسیم گردد، گرایش به مهاجرت بشدت کاهش می یابد و زمینه بازگشت بخش وسیعی از ایرانیان متخصص به کشور فراهم می گردد.

می کنند و بطور جدی متوجه نابسامانیهای اقتصادی هستند، اقشار مختلف مردم برای گذران زندگی روزمره خود از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند بطوریکه امروزه شاهد مسافركشی کارمندی هستیم که زیر بار مشکلات اقتصادی پشت خم کرده است. بنابراین از نظر آمادگی روانی برای يك بازسازی وسیع و يك تلاش اقتصادی سراسری، آمادگی وجود دارد و کافی است که دولت هم برای حل مشکلات اقداماتی مؤثر انجام دهد.

هرچند در يك یا دو سال اخیر تلاشهایی در این زمینه انجام شده اما به عنوان مثال نه تورم از بین رفته است و نه اختلافات شدید طبقاتی. بار دیگر تأکید می کنم هرچه اتفاق نظر و هماهنگی بین اعضای دولت یا هیئت حاکمه بیشتر وجود داشته باشد با توجه به آمادگی و تلاش همه جانبه مردم، مشکلات سریعتر از بین می رود.

۸- آیا دستگاه وزارت امور خارجه را برای طراحی و پیشبرد يك سیاست خارجی فعال و وزین توانا می بینید؟ چه پیشنهادهایی در این زمینه دارید؟

□ وزارت امور خارجه جدا و منزوی از کل کشور نیست. بنظر من عملکرد این دستگاه تا امروز خوب بوده است اما همان خط مشی کلی که در جاهای دیگر می بینم در وزارت امور خارجه هم دیده می شود. دیپلماسی يك کشور نه تنها باید نسبت به رویدادهای جهانی واکنش نشان دهد، بلکه باید از فرصتهای پیش آمده بنحو مطلوب استفاده کند. با توجه باینکه منابع ایران، خواستههای کشور را محدود می کند - زیرا در جهان حتی کشورهای امپریالیستی نیز همواره نمی توانند آنچنان که می خواهند عمل کنند - باید از يك سیاست مسالمت آمیز پیروی نمود و همت خود را بر تأمین منافع ملی صرف کرد. در این زمینه وزارت امور خارجه فعال بوده است. پس از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، امروز از جمله مناطقی که امکان صادرات را برای ایران فراهم می کنند، کشورهای حوزه خلیج فارس و منطقه هستند و برقراری روابط اصولی و حسنه ب آنها در نهایت به تحقق منافع کشور ختم می شود.

تجربه ثابت کرده است که پیروی از سیاستهای خصومت آمیز، ثمری ندارد. به نظر من منابع و امکانات ایران باید صرف حل مشکلات داخلی شود و سیاست خارجی کشور بر مبنای قبول اصول منشور سازمان ملل متحد باشد که بر استقلال، حاکمیت و برای کشورها و اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر تأکید دارد. يك کشور جهان سوم که مسائل و مشکلات بیشماری دارد، با پیروی از خط مشی و سیاستی که بیان شد می تواند منطبق با منافع ملی جامعه خود حرکت کند. بقول حافظ:

درخت دوستی بنشان که کام دل ببار آرد - نهال دشمنی برکن که رنج بیشمار آرد

۹- مشارکت مردم در امور عمومی یکی از مهمترین عوامل پیشرفت و پویایی هر جامعه و از بزرگترین پشتوانه های «قدرت ملی» است. آیا در این مورد تفاوتی بین مسائل مربوط به سیاست خارجی و امور داخلی (اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی) قابل هستید؟ به عبارت دیگر، آیا همواره تمایلات و احساسات عامه مردم در راستای منافع ملی و مصلحت عمومی قرار دارد و همگانی کردن «سیاست» در همه حال سودمند می باشد؟

□ چنانچه هدفهای يك حکومت منطبق با نیازهای مردم باشد، ملت از آن حمایت خواهد کرد. يك سیاست خارجی موفق مستلزم پشتیبانی وسیع داخلی است و من فرق زیادی بین تعقیب هدفهای خارجی و داخلی نمی بینم. هر دو دارای يك منشاء با عرصه های اجرایی مختلف هستند. در سیاست داخلی دست دولت باز است زیرا موانع جدی نمی تواند وجود داشته باشد و از آنجائی که در جهان سوم منابع در دست دولتهاست، تنها اختیار و اراده دولت برای حل مشکلات کافی است. به عنوان مثال، آلودگی هوا که امروز جزو مشکلات جامعه ما محسوب می شود، با تلاش جدی و بیگیر مسئولین از بین خواهد رفت اما در امور بین الملل، دولتها امکان فعالیتهای آزادانه را ندارند زیرا بیش از ۱۷۰ کشور در جهان با خواستها و منافع مختلف حضور دارند که باید به آنها توجه داشت. بنابراین سیاستهای داخلی اگر بر مبنای اتفاق نظر مسئولین و خواستههای واقعی مردم باشد مورد حمایت ملت قرار می گیرد و پشتیبانی مردم از اهداف و برنامه های حکومتی، عامل مهمی در به ثمر رساندن آن خواهد بود.

۱۰- توسعه اقتصادی یکی از مهم ترین اهداف هر دولت است ولی بسیاری از صاحب نظران، توسعه سیاسی و تقویت زیربنای فرهنگی جامعه را مقدم بر آن و شرط لازم برای تحقق برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی می دانند. نظر شما در این باره چیست و چه عواملی را زمینه ساز و تسهیل کننده توسعه سیاسی به حساب می آورید؟

□ به نظر من، توسعه سیاسی مقدم بر سایر زمینه هاست و ملاک آن، مشارکت مردم و رغبت و میل آنان به امور سیاسی جامعه، شرکت وسیع در انتخابات، وجود تریبونهای آزاد و وسائل ارتباط جمعی مستقل است.

با اینحال در جهان سوم بجای خواست مردم، سیاستهای گروهی اعمال می شود. واضح است که هرچه جامعه بیشتر دموکراتیک گردد، مردم نقش فعالتری خواهند داشت. به نظر من توسعه اقتصادی در يك جامعه خیلی از مسائل را حل می کند و به همراه خود فرهنگ جدیدی هم بوجود می آورد. آنچه برای کشورهای جهان سوم ضروریست، يك اراده قاطع در سطح دولت است که می تواند مردم را برای توسعه اقتصادی و همراه آن، توسعه فرهنگی آماده کند.

۱۱- در زمینه سیاست خارجی، منافع ملی ایران را در سطح منطقه و جهان چگونه تعریف می کنید؟

□ در سطح جهان، سیاست خارجی ایران باید منطبق با امکانات و نیازهای کشور باشد. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد از درآمد ارزی ایران از طریق فروش نفت بدست می آید و ما باید سایر زمینه های ارزی را توسعه دهیم. یکی از مهمترین منابع ما گاز است که پروژه آن بخاطر پیشدستی شوروی در فروش گاز به آلمان که باید توسط ایران اجرا می شد، متوقف ماند. همینطور صنایع پتروشیمی باید تقویت شود در این زمینه می توان عقب ماندگی ناشی از عدم اجرای پروژه پتروشیمی ایران توسط ژاپن را جبران کرد. همچنین ورود تکنولوژی مورد نیاز برای بازسازی و روابط تجاری سودمند با کشورهای جهان باید مورد توجه قرار بگیرد. در سطح منطقه نیز همانطور که اشاره کردم، تز همکاری مسالمت آمیز با کشورهای خلیج فارس که می توانند بازار خوبی برای فروش صادرات کشورمان باشند، قابل اجراست.

۱۲- با توجه به بحران خلیج فارس و حضور نیروهای بیگانه در منطقه، چه سیاست یا سیاستهایی را برای تأمین هر چه بهتر منافع ملی ایران در درازمدت مناسب می دانید؟

□ ما کشوری از جهان سوم هستیم که از نظر اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی منابع محدودی داریم و باید از يك سیاست صحیح که منطبق با نیازها و امکانات کشور باشد پیروی کنیم. در غیر اینصورت دچار تضاد خواهیم شد یعنی در عین حال که برای رسیدن به خودکفائی شعار می دهیم و امپریالیسم را محکوم می کنیم، خود در دام نیاز به ابرقدرتها گرفتار می شویم. بعنوان مثال، در طول جنگ مجبور به خرید اسلحه از کشورهای دیگر شدیم و

□ ما در جامعه بین‌المللی حرفهای زیادی برای گفتن داریم اما متأسفانه سیاست رژیمهای دیکتاتوری در گذشته، مردم را از غنای فرهنگی شان دور کرده است. پی‌تردید شناخت فرهنگ و تمدن ایرانی، آشنائی با گذشته پربار کشور و همراه آن، رفع نارسائی‌های اقتصادی - اجتماعی، در شکل‌گیری شخصیت نسل جوان ایران بسیار مؤثر خواهد بود.

این امر، با شعارهایی که می‌دادیم، هماهنگ نبود. بنابراین اگر کشوری می‌خواهد استقلال خود را حفظ کند، خود کفا باشد و به سایر ملتها مثل فلسطین کمک کند، باید ابتدا خود را از حلقه‌های مداوم نیاز به دیگران رها کند تا بتواند به اهداف خود جامعه عمل ببوشاند و رسیدن به چنین مرحله‌ای جز بوسیله سیاست مسالمت‌آمیز با سایر کشورها ممکن نیست. اتخاذ چنین سیاستی به ما توان دستیابی به تولید مناسب و تقویت صنایع ملی را خواهد داد. امروز کشورهای جهان در رابطه با ایران، به سه گروه تقسیم می‌شوند. دسته اول بلحاظ داشتن تکنولوژی مورد نیاز کشور ما، می‌توانند مفید باشند. گروهی دیگر بواسطه داشتن رابطه تجاری و دو طرفه مورد استفاده ماقرار می‌گیرند و دسته دیگر نیز به کمک ایران نیاز دارند که می‌توانیم کشورهای آفریقائی را در این گروه قرار دهیم. ایران با اجرای سیاستی مبتنی بر همکاری و استفاده از فرصتهای مناسب می‌تواند ثمرات مطلوبی بدست آورد.

۱۳- فرار مغزها یکی از مشکلات جهان سوم است و کشور ما نیز از این راه زیانهای فراوان دیده است. برای متوقف کردن یا کاستن از دامنه این جریان خطرناک و مقابله با سیاست جوامع پیشرفته صنعتی در زمینه جذب سرمایه‌های معنوی جهان سوم چه پیشنهادهایی دارید؟

□ فرار مغزها یکی از پدیده‌های زیانبار دنیای ما محسوب می‌شود و ایران نیز زیانهای فراوانی بواسطه خروج نیروهایش دیده است. در گذشته، این امر شامل کارشناسان و افراد متخصص می‌شد که برای کسب درآمد بیشتر و با استفاده از امکانات علمی و رفاهی از کشور خارج می‌شدند اما امروز ما در بین اقشار گوناگون مردم شاهد گسترش این پدیده هستیم و افرادی که فاقد تخصص هستند برای پیدا کردن کار به کشورهای دیگر از جمله ژاپن می‌روند. این مسئله بدون شك علل اقتصادی - اجتماعی دارد. اگر در جامعه، رفاه اقتصادی و آزادهای فردی تا حد مطلوب موجود باشد و جوانی که دوران تحصیل خود را به پایان می‌رساند با سردرگمی روبرو نشود و بتواند جذب دستگاهها و سازمانهای کشور شود، هرگز میل به مهاجرت پیدا نمی‌کند اما جوانی که بارها پشت کنکور می‌ماند و نمی‌تواند درآمدی داشته باشد و نیازهای اقتصادی خود را برطرف کند، دچار یأس، ناامیدی و بی‌تفاوتی خواهد شد و به راحتی کشور خود را ترک می‌کند. به نظر من، دولت با فراهم کردن امکان تحصیل برای افراد با استعداد، رفع مشکلات متعدد اقتصادی و بویژه بیکاری و سرانجام ترسیم آینده‌ای مطمئن و قابل دسترس برای جوانها، می‌تواند از خروج بی‌رویه ایرانیان به سایر کشورها جلوگیری کند. از آنجائیکه هر سال جوانان بسیاری از ورود به دانشگاه محروم می‌شوند، دولت می‌تواند از انحصارطلبی در آموزش و پرورش خودداری کند و امکان تشکیل دانشگاه‌های خصوصی را فراهم نماید.

۱۴- وضع ایرانیان مقیم خارج از کشور را چگونه می‌بینید؟ ایجاد یا تقویت چه عوامل و انگیزه‌هایی را به منظور بازگرداندن و بهره‌گیری مؤثر از نیروهای متخصص مناسب می‌دانید؟

□ همانطور که اشاره کردم علل و عوامل مختلف اقتصادی - اجتماعی باعث مهاجرت به خارج از کشور می‌شود و با از بین بردن موانع، می‌توان قشر

وسعی از افراد مهاجر را به کشور بازگرداند. مسلماً اگر شرایط زندگی در داخل کشور فراهم باشد، تمایلی برای رفتن از کشور بوجود نمی‌آید. اما باید در این زمینه کارهایی صورت بگیرد، امکانات گسترش یابد، آموزش همگانی شد و شرایط دستیابی به کار و تحصیل برای افراد باصلاحیت فراهم گردد.

۱۵- به نظر شما برای اصلاح نظام آموزش و پرورش از کودکستان تا دانشگاه چه باید کرد؟ چه توصیه‌هایی برای هدایت نسل جوان و مقاوم ساختن آنان در برابر جنبه‌های مبتذل و زیانبار فرهنگ و شیوه زندگی غربی و بالاخره آشنا نمودن آنها با فرهنگ توسعه بر مبنای ویژگیها و نیازهای جامعه ایرانی دارید؟

□ من در آموزش و پرورش معتقد به اصل اقتناع هستم نه زور. هرچند که جنبه ارباب و تهدید بخود بگیرد. با شکست مواجه می‌شود. در سیستم آموزشی باید راههای افراط و تفریط را کنار بگذاریم و میانه‌رو باشیم. یعنی ضمن اینکه به دستورات مذهبی توجه می‌کنیم، نیازهای طبیعی انسان را نیز نادیده نگیریم. انسان موجودی است که از زیبایی یک منظره و از دیدن رنگی شاد احساس رضایت می‌کند. مسلماً همه ما ترجیح می‌دهیم به یک طبیعت سبز و پرگل نگاه کنیم تا به صحنه تصادفی و خشتناک. باتوجه به نیازهای مختلف انسان می‌توانیم به تغییر و دگرگونی در آموزش و پرورش ایران مبادرت کنیم زیرا امروز، لزوم تحصیل و علم‌آموزی برای همه تقریباً آشکار شده است اما اگر افراد درست آموزش نمی‌بینند، عیب و نقص را باید در مراکز تربیت معلم و سایر نهادهای آموزشی پیدا کنیم. ما می‌توانیم بجای استفاده از روشهای زور و تهدید و ارباب، توسط متخصصان روانشناسی، از روشهای ظریفتر برخوردار با افراد استفاده کنیم. نمی‌توان از یک فرد ۱۷ یا ۲۰ ساله انتظار داشته باشیم که مانند پدر ۵۰ ساله خود با مسائل برخورد کند. از طرف دیگر اگر امکانات تفریحی مناسب در اختیار جوانان نباشد، آنها انرژی و توان خود را هدر می‌دهند.

همانطور که در خیابانها شاهد افرادی هستیم که زیرلپهای هوایی و یا در مکانهای پرتراфик فوتبال بازی می‌کنند. موضوع دیگری که باید مطرح کنیم، لزوم مبادلات فرهنگی و علمی بین کشورهاست. اگر ما در زمینه‌های گوناگون علمی از جمله علوم پزشکی، فنی و تکنولوژیک به مبادله کتب و اطلاعات بپردازیم، آگاهی بیشتری پیدا خواهیم کرد. در این زمینه می‌توان به استفاده از ماهواره‌ها با تکیه بر ارزشهای اصیل خود، اشاره کرد. واضح است که ایجاد شرایط مناسب اقتصادی و فرهنگی و برخورداری همه مردم از آن در نهایت به نفع کل جامعه و کشور است زیرا بزرگترین سرمایه هر کشور، مردم آن است چنانکه ژاپن بدون داشتن منابع قابل ذکر، تقریباً دومین قدرت اقتصادی جهان است و عده‌ای قرن ۲۱ میلادی را قرن ژاپن می‌دانند. این قدرت جز از طریق سیاستهای آموزشی، اقتصادی و اجتماعی مناسب در داخل کشور بدست نیامده است. استفاده از مواهب زندگی در مذهب ما، مورد تأکید قرار گرفته و جامعه‌ای باز به مراتب سریعتر از یک جامعه بسته به قدرت، رفاه و آزادی خواهد رسید. همیشه برای من این سوال مطرح است که چرا یک جوان ۲۵ ساله ایرانی از نظر داشتن علم و تخصص محتاج یک فرانسوی یا سوئیسی همسن خود است. به نظر می‌رسد علت این امر را باید در سیستم آموزش و پرورش و دانشگاهی ایران جستجو کنیم.

۱۶- به نظر شما، بازگشت به هويت ایرانی برای نسل جوان کشور ما، می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای کسب شخصیت مستقل باشد؟

□ کسب شخصیت و پرستیژ عوامل متعددی دارد. هر فرد باید در جامعه احساس سودمندی کند و مجموع عوامل اقتصادی - اجتماعی یک جامعه، در افزایش روحیه و نیروی افراد دخالت مستقیم دارد. مسلماً چنین افرادی، با روحیه و احساس مفید بودن، می‌توانند به فرهنگ و هويت خود نیز پی ببرند. ایران تاریخی پربار و فرهنگی غنی دارد. ما در جامعه بین‌المللی حرفی برای گفتن داریم اما متأسفانه رژیمهای دیکتاتوری در گذشته مردم را از غنای فرهنگی خود دور کرده‌اند. مسلماً شناخت فرهنگ و تمدن ایرانی، آشنائی با گذشته پربار کشور و همراه آن، رفع نارسائیهای اقتصادی - اجتماعی، در شکل‌گیری شخصیت نسل جوان بسیار مؤثر است.